

ارکان بزه خیانت دلال در حقوق ایران با تأکید بر مواد ۳۴۹ قانون تجارت و ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳

چکیده

بزه خیانت دلال، به عنوان یکی از جرایم خاص در روابط تجاری، در ماده ۳۴۹ قانون تجارت و ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ پیش‌بینی شده است؛ اما به رغم اهمیت این بزه در تضمین روابط واسطه‌ای تجاری، هنوز حدود دقیق ارکان آن و میزان کارآمدی سیاست کیفری موجود، محل ابهام و اختلاف نظر است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین دقیق ارکان این بزه و ارزیابی کارآمدی جرم‌انگاری موجود در پرتو تحولات اخیر حقوق تجارت ایران با روش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جرم خیانت دلال واجد ماهیتی مستقل از خیانت‌درامانت عام بوده و بر امانت حرفه‌ای استوار است که از رابطه قراردادی و عرفی میان دلال و آمر ناشی می‌شود. همچنین نتایج حاکی از آن است که هرچند لایحه تجارت ۱۴۰۳ در حوزه اصلاح نوع واکنش کیفری گامی مثبت برداشته؛ اما همچنان در شمول منافع غیرنقدی، مسئولیت طرف دیگر معامله و درجه‌بندی مجازات با لحاظ زیان وارده با خلأهایی مواجه است. در پایان، پیشنهادهایی برای اصلاح مقررات و جهت‌گیری پژوهش‌های آتی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: خیانت دلال، حمایت کیفری، خیانت‌درامانت عام، ماده ۳۴۹ قانون تجارت، لایحه تجارت ۱۴۰۳.

پژوهش‌های حقوقی / نشریه حقوقی / ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Early Version | Not Certified

امین بودن و امانت‌داری از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی - حقوقی در روابط اجتماعی است که قانون‌گذار کیفری در موارد مختلف از آن حمایت کرده است؛ از جمله با جرم‌انگاری رفتار ناقض آن در قالب جرم خیانت‌درامانت مقرر در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی که می‌توان آن را جرم خیانت‌درامانت عام نامید (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳: ۱۶۹). با این حال، در برخی روابط تخصصی همچون روابط واسطه‌ای تجاری، شدت حساسیت نسبت به این ارزش به اقتضای روابط بین طرفین و ارزش‌های حاکم بر آن به گونه‌ای است که قانون‌گذار متوسل به جرم‌انگاری خاص شده است. یکی از این مصادیق، بزه موسوم به «خیانت دلال» در رابطه با امر است که در ماده ۳۴۹ قانون تجارت و متناظر با آن در ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ پیش‌بینی شده است.^۱ در این خصوص قانون‌گذار در ماده ۳۴۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود به علاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت‌درامانت خواهد شد». قانون‌گذار در لایحه تجارت ۱۴۰۳ نیز ضمن حفظ اصل جرم‌انگاری این رفتار، رویکرد خود در نوع واکنش کیفری را تغییر داده و به جای ارجاع به مجازات خیانت‌درامانت، جزای نقدی درجه چهار و محرومیت از اشتغال به دلالی را پیش‌بینی کرده و در ماده ۵۶ این لایحه مقرر می‌دارد: «دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا برخلاف عرف تجارتي محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف شده نیست و به جزای نقدی درجه چهار و دو سال محرومیت از دلالی محکوم می‌شود».

مداقه در این مقررات نشان می‌دهد که رفتار دلال در این موارد، اگرچه از حیث ارزش مورد حمایت با جرم خیانت‌درامانت اشتراک دارد، اما از منظر ارکان تشکیل‌دهنده، منطبق با این جرم کلاسیک نیست؛ چنان‌که برخی از مصادیق آن، به‌ویژه در فرض دریافت وجه یا وعده وجه از طرف معامله، از حیث ساختار، قرابتی با بزه رشاء در روابط خصوصی می‌یابد. افزون بر این، تغییر سیاست کیفری قانون‌گذار در لایحه تجارت ۱۴۰۳، از مجازات سالب آزادی به سمت مجازات‌های مالی و محرومیت شغلی، پرسش‌های تازه‌ای را درباره ماهیت، ارکان و کارکرد کیفری این جرم پدید آورده است. بر این اساس، مطالعه دقیق ارکان بزه خیانت دلال و ضمانت اجرای کیفری آن اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای درصدد واکاوی مداخله کیفری مبتنی بر ارکان بزه خیانت دلال و ارزیابی کارآمدی جرم‌انگاری موجود در پرتو تحولات اخیر حقوق تجارت است.

بررسی پژوهش‌های انجام شده نمایانگر عدم تحلیل مواد مورد بحث از منظر موضوع این مقاله است؛ چراکه در حوزه حقوق تجارت، بیشتر به جنبه‌های مدنی و قراردادی نهاد دلالی پرداخته شده و امعان‌نظر به رفتارهای مجرمانه در این وادی در حد ذکر مواد و بدون تحلیل مستقل ارکان جرم بوده است. اعتنای پژوهشگران حوزه حقوق کیفری نیز عمدتاً معطوف به جرم عام خیانت‌درامانت است. کهن‌سالی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و نوین‌باد بودن لایحه تجارت ۱۴۰۳ مزید علت شده تا نگاهی به

^۱ با انعقاد عقد دلالی «بین دلال و آمر و حتی بین دلال و هر دو طرف معامله رابطه امانی به وجود می‌آید و دلال در مقابل آن‌ها دارای وظایف امانی است» (عبدی پور فرد، ابراهیم، حقوق تجارت؛ جلد اول: تجار و معاملات تجاری، تهران، مجد، ۱۴۰۳، ص ۹۰).

این موضوع معطوف نگردد. از این رو، خلأ یک بررسی منسجم کیفری درباره بزه خیانت دلال و ساختار آن همچنان محسوس است. بنابراین، این مقاله تلاشی تازه و بنیانی برای پژوهش‌های دیگر محسوب می‌گردد.

رسیدن به سرمنزل مقصود مبنی بر ایجاد ادراک جامع و دقیق از ارکان خیانت دلال مستلزم گام‌برداری صحیح در یک توالی منظم و منطقی است؛ با آگاهی به این مهم، ساختار پژوهش به این منوال قرار گرفت که در ابتدا ارزش موردحمایت در این جرم و مبانی مداخله کیفری قانون‌گذار تبیین شود تا در پرتو فهم چرایی مداخله کیفری بتوان سایر ارکان بزه خیانت دلال را به‌درستی تحلیل نمود. پس از آن رکن مادی و شرایط ناظر بر جرم تحلیل شد تا نحوه تحقق رفتار ممنوع و شرایط آن نمایان گردد. در نهایت رکن روانی و مجازات مقرر در قانون تجارت و تحولات آن در لایحه تجارت ۱۴۰۳ مورد بررسی و ارزیابی انتقادی واقع گردید.

۱. ارزش موردحمایت

ارائه خدمت دلال در قالب دو وظیفه واسطه‌گری انجام معامله و یافتن طرف معامله پدیدار می‌گردد. شخصی که دلال این وظایف را برای وی و در مقابل اخذ اجرت انجام می‌دهد «آمر» نامیده می‌شود (اسکینی، ۱۴۰۳: ۸۵) و طرف دیگر نیز غالباً مشتری است که در ادبیات قانون‌گذار به‌عنوان «طرف معامله» شناخته می‌گردد؛ بنابراین، «دلال» ضلع قائم و حلقه اتصال رابطه تجاری موضوع عقد دلالی و «آمر» و «طرف معامله» اضلاع دیگر آن هستند. ماهیت نقش دلال به‌عنوان «واسطه» و سرشت «بی‌طرفی» حاکم در گنه آن سبب گردیده که قانون‌گذار دلال را مکلف نماید که در نهایت صحت و از روی صداقت «طرفین معامله» را از جزئیات راجع به معامله آگاه سازد. علاوه بر آن، سهام یا منتفع بودن وی در نفس معامله بدون اطلاع‌دادن به طرف ناآگاه - که ممکن است هریک از طرفین معامله باشد - به قید ضمانت اجرای کیفری ممنوع اعلام گردیده است. با اینکه دلال واسطه‌ای بی‌طرف بوده و تکالیف اطلاع‌رسانی وی نسبت به دو طرف معامله است قانون‌گذار فرض خیانت نسبت به آمر را پیش‌بینی کرده است. اینک دلیل این جرم‌انگاری چیست و قانون‌گذار درصدد حمایت از چه ارزشی در رابطه آمر و دلال بوده است؟ در پاسخ نسبت به چرایی جرم‌انگاری به نظر می‌رسد دلایل مختلفی موجب این امر گردیده است.

۱-۱. آسیب‌پذیری آمر در روابط واسطه‌ای تجاری

یکی از این دلایل مرتبط با علت رجوع به دلال است. توضیح اینکه، اشخاص در مراجعه به دلال آزاد بوده و علت اینکه تجار (یا غیرتجار) از خدمات واسطه‌ای استفاده نموده و مداخله شخص ثالث را مفید و ضروری می‌بینند حسب مورد شامل عدم اعتماد به یکدیگر، بُعد مکان، فقدان اطلاعات کافی از بازار، تمایل به مخفی ماندن شخصیت معامله‌کننده (کاویانی، ۱۴۰۲: ۱۲۷) و عدم آشنایی به وضع محل مخصوصاً در موارد خارجی بودن آمر است (ستوده تهرانی، ۱۴۰۳، ۴۳). از این رو، شخصی که به دلال مراجعه نموده به یکی از دلایل فوق ظرفیت فریفته شدن بیشتری دارد؛ برای مثال، یک شخص خارجی نسبت به عرف محل، قیمت خدمات یا کالا، جنس مورد معامله و غیره، اطلاعات جامع‌و‌مانعی ندارد که نیازمند استفاده از خدمات دلال است و به همین جهت بالقوه مستعد فریفته شدن در فرض تبانی دلال با طرف معامله است. از این رو، در این فرض خطرپذیری اغوا شدن و اقدام به انجام معامله باوجود ضرر، بالاتر می‌رود و ضرورت حفظ سلامت معامله ایجاب می‌نماید تا هرگونه خیانت

۱. ماده ۳۴۶ قانون تجارت و ماده ۵۴ لایحه تجارت ۱۴۰۳.

دلال جرم‌انگاری شود. حتی در فرضی که آمر خود تاجر حرفه‌ای است، موقعیت خاص دلال به‌عنوان دارنده اطلاعات و کانال ارتباطی با طرف معامله، او را در جایگاهی ممتاز قرار می‌دهد و امکان سوءاستفاده از این موقعیت و فریفتن آمر را همچنان حفظ می‌کند.

۲-۱. رابطه قراردادی مبتنی بر اعتماد

دلیل دیگر وجود رابطه قراردادی میان دلال و آمر است. توضیح اینکه، غالباً میان دلال و آمر یک قرارداد (شفاهی یا کتبی) وجود داشته و حق‌الزحمه دلال به‌موجب آن تعیین و توسط آمر پرداخت می‌گردد؛^۱ از این رو، می‌توان قائل به وجود نوعی رابطه خادم و مخدومی میان آمر و دلال بود. وجود چنین رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد به دلال و امین فرض نمودن وی است. بر اساس وجود چنین قراردادی و پرداخت اجرت توسط آمر، چشمداشت بر آن است که دلال اقدامی علیه منافع آمر انجام ندهد و اقدام به نفع طرف دیگر معامله، خیانت بر این رابطه امانی است؛ بنابراین، حمایت از منافع خصوصی مبتنی بر قرارداد و ممانعت از زیان آمر، حمایت کیفی را ضرورت بخشیده است.

۳-۱. تسری ماهیت امانی وکالت به نهاد دلالی

دلیل سوم، ماهیت قواعد حاکم بر دلالی است که قانون‌گذار آن را به مقررات وکالت احاله داده و دلال را وکیل آمر معرفی کرده است. هدف از تعمیم مقررات وکالت بر دلالی، قرار دادن تکالیف و تعهدات قانونی و اخلاقی وکیل بر دلال می‌باشد (اسکینی، پیشین: ۸۵). توضیح اینکه، قانون‌گذار در ذیل ماده ۳۳۵ قانون تجارت مقرر می‌دارد «اصولاً دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است».^۲ بر اساس این ماده تکالیف و تعهدات وکیل تا آنجا که میسر باشد بر دلال بار می‌گردد. یکی از تکالیف وکیل با در نظر گرفتن مواد قانون مدنی، قانون وکالت و آیین‌نامه‌های آن رعایت مصلحت و غبطه موکل و عدم خیانت به وی و رعایت امانت است (ایزدی، ۱۳۸۳: ۷۹). در این رابطه ماده ۶۶۷ قانون مدنی^۳ مقرر می‌دارد: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست تجاوز نکند».^۴ از طرف دیگر، به‌موجب ماده ۱۲۶ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری^۵ در صورتی که وکیل با طرف موکل خود برای تضییع حق موکل تبانی کرده یا در موضوع پرونده خیانت دیگری نسبت به موکل مرتکب گردد، پروانه‌اش باطل و به‌صورت دائم از انجام وکالت محروم می‌گردد.^۶ چراکه، وکالت عقدی امانی است و رعایت الزامات حاکم بر عملکرد امین مانع انجام اقدام به ضرر موکل یا تبانی با طرف مقابل است (حاجی عزیزی و اعتماد، ۱۳۹۴: ۵۷). هر چند از حیث حدود اختیارات میان دلال با وکیل تفاوت وجود دارد؛ اما دسترسی به اطلاعات و امکان تأثیرگذاری بر

۱. مواد ۳۵۴ و ۳۵۵ قانون تجارت.

۲. شایان‌ذکر است در لایحه تجارت ۱۴۰۳ دلالی تابع مقررات وکالت دانسته نشده است و عبارت ذیل ماده ۳۳۵ قانون تجارت در این لایحه مشاهده نمی‌شود.

۳. مصوب ۱۳۰۸. برای مطالعه بیشتر در خصوص تعهدات اخلاقی وکیل ر.ک: سلیمیان، ابوالفضل، هاشمی باجگانی، سیدجعفر، جایگاه و اهمیت اخلاق در حرفه وکالت، نشریه اندیشمندان حقوق، شماره ۹، ۱۳۹۵، صص ۱۴۸-۱۳۵.

۴. در خصوص نحوه انجام وظیفه توسط وکیل برخی حقوق‌دانان معتقدند که: «وکیل باید در انجام وظایف وکالتی مانند اعمال مربوط به خود با کمال دلسوزی عمل کند» (امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۲، ص ۳۳۵) برای مطالعه بیشتر در خصوص عقد وکالت ر.ک: کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی: عقود معین، جلد چهارم: عقود اذنی-وثیقه‌های دین، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۳، صص ۱۰۷-۱۷۷.

۵. مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ رئیس قوه قضائیه.

۶. ماده ۱۱۹ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری: «مجازات‌های انتظامی به ترتیب درجات زیر است: ... ۶- حسب مورد ابطال پروانه و محرومیت دائم از وکالت».

اراده معاملاتی آمر، دلال را در موقعیتی مشابه با وکیل قرار می‌دهد. از این جهت، عدم خیانت و امانت‌داری حکم مشترک وکالت و دلالتی و اساس اعتماد و انعقاد قرارداد با آن‌ها قرار می‌گیرد و صیانت از وفاداری و امانت‌داری دلال دلیل مداخله حقوق کیفری در این رابطه است.

۴-۱. برآیند: امانت‌داری به مثابه ارزش بنیادین جرم‌انگاری

نتیجه بحث آنکه، ارزش موردحمایت در رابطه دلال و آمر «امانت‌داری» و «امین بودن» دلال است؛ زیرا با توضیحات فوق نمایان گردید که یک نوع رابطه اعتماد و امانت میان آمر و دلال شکل گرفته و به‌زعم قانون‌گذار چنین رابطه‌ای میان دلال و طرف معامله وجود ندارد.^۱ به عبارت دیگر، در رابطه واسطه‌ای مزبور، آمر در حکم «امانت‌گذار» و دلال همانند «امین» است و ضرورت حفظ اعتماد سبب گردیده که قانون‌گذار برای تضمین ویژگی اخلاقی «امانت‌داری»، از ضمانت اجرای کیفری استفاده نماید و یک هنجار اخلاقی را با در نظر گرفتن ضمانت اجرای کیفری به الزامی قانونی تبدیل نماید و «بر وصف امانی شغل دلالتی و ضمانت اجرای ناشی از آن تأکید ورزیده است» (پاسبان، ۱۴۰۲: ۱۷۲). بنابراین، سوءاستفاده از اعتماد امانت‌گذار (آمر) و اقدام به نفع طرف دیگر معامله توسط امین (دلال) موجب نقض ارزش اخلاقی-قانونی امانت‌داری گردیده و برآیند آن اعمال کیفر خواهد بود. حمایت از این ارزش با لحاظ اهمیت نقش واسطه‌های تجاری «در استمرار و تقویت فعالیت‌های اصلی» (صقری، ۱۴۰۲: ۱۶۲) تجارتي (مذکور در ماده ۲ قانون تجارت) قابل دفاع است.

۵-۱. تمایز امانت‌داری و بی‌طرفی در خیانت دلال

شاید خواننده نکته‌سنج ایراد نماید که نقش واسطه‌ای دلال مستلزم بی‌طرفی وی است و اقدام به نفع طرف دیگر برخلاف وظیفه یا دریافت وجه از وی، ناقض این ارزش نیز است. واقعیت این است که جوهر رفتار مجرمانه دلال موجب خروج وی از بی‌طرفی نیز می‌شود؛ اما، اولاً حمایت کیفری از بی‌طرفی دلال در ماده ۳۴۶ قانون تجارت و ماده ۵۴ لایحه تجارت ۱۴۰۳ صورت گرفته است؛ ثانیاً ارزش اصلی و اولیه که با رفتار دلال نقض می‌گردد «امانت‌داری» و «امین بودن» وی است و ارزش‌هایی مانند بی‌طرفی به صورت ثانویه نقض شده و به یک تعبیر، نقض آن‌ها نتیجه رفتار دلال است و در یک رابطه طولی ابتدا دلال با پذیرش وجه یا وعده وجه به آمر خیانت نموده و در ادامه با اقدام خود از حالت بی‌طرفی خارج می‌گردد. مضافاً اینکه دلال نسبت به هر دو طرف معامله بی‌طرف است اما الزام مقرر در موارد مورد بحث تنها نسبت به «آمر» مقرر گردیده است. به عبارت دیگر، هرچند بی‌طرفی از مختصات ذاتی نهاد دلالتی است، اما در جرم‌انگاری موضوع ماده ۳۴۹ قانون تجارت، قانون‌گذار صراحتاً از منظر نقض تعهد نسبت به آمر مداخله کرده است و همین امر نشان می‌دهد که ارزش محوری مورد حمایت، وفاداری و امانت‌داری در قبال آمر است و نه صرف بی‌طرفی.

۱. شایان ذکر است که به نظر برخی حقوق‌دانان رابطه امانی میان دلال و طرفین معامله برقرار می‌شود و دلال مکلف به صداقت و صحت عمل نسبت به «طرفین معامله» (و نه فقط آمر) است. (عبدی‌پور فرد، پیشین، ص ۹۱). برخی دیگر پا را فراتر گذاشته و معتقدند که خیانت به ثالث (طرف دیگر معامله) نیز مشمول حکم مقرر در ماده ۳۴۹ قانون تجارت می‌گردد. (کاویانی، پیشین، ص ۱۳۱) در این خصوص در ادامه توضیحات مکفی ارائه خواهد شد.

۲. رکن مادی

قانون‌گذار در ماده ۳۴۹ قانون تجارت و متناظر با آن در ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ دو رفتار متفاوت دلال را جرم‌انگاری نموده که عبارت‌اند از اینکه دلال: (۱) «برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید» و (۲) «برخلاف عرف تجاری محل از طرف مزبور وجهی دریافت یا وعده وجهی قبول کند». ماهیت این دو رفتار متمایز بوده و به شکل متفاوتی محقق می‌شوند و هر یک به‌عنوان مصداق مستقلی از رکن مادی جرم، مستلزم تحلیل جداگانه است.

۲-۱. اقدام برخلاف وظیفه و به نفع طرف دیگر معامله

وجود قرارداد و رابطه امانی میان دلال و آمر سبب می‌گردد که هرگونه اقدامی به نفع طرف دیگر معامله و برخلاف وظیفه، مغایر با ماهیت این رابطه باشد. از این رو قانون‌گذار چنین رفتاری را جرم‌انگاری نموده است. برای تحقق رفتار مجرمانه مزبور وجود دو شرط به‌صورت هم‌زمان لازم است: الف- اقدام دلال برخلاف وظیفه (در قانون تجارت) و برخلاف تعهد (در لایحه تجارت ۱۴۰۳) باشد. ب- این اقدام به نفع طرف دیگر معامله باشد. بنابراین در صورت فقدان هریک از این دو شرط، جرم محقق نمی‌گردد. در ادامه این شرایط را بررسی می‌کنیم.

۲-۱-۱. اقدام برخلاف وظیفه

وظیفه دلال در اینجا عبارت است از مجموعه تعهداتی که به‌موجب قانون، قرارداد یا عرف تجاری بر عهده او قرار گرفته و رعایت آن‌ها مقتضای وفاداری حرفه‌ای و حُسن انجام وظیفه وی است؛ بنابراین، وظیفه دلال بر اساس سه معیار تعیین می‌گردد: قانون، قرارداد و عرف. توضیح اینکه، در برخی موارد قانون تجارت و تعهداتی بر عهده دلال قرار داده است. برای مثال، بر اساس ماده ۳۳۷ قانون تجارت دلال باید در نهایت صحت و صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد. اینک اگر آمر قصد خرید خانه‌ای را داشته و دلال را مأمور یافتن آن نماید و دلال برخلاف این وظیفه قانونی و برای اینکه معامله به نفع فرشنده منعقد شود مسئله حقوقی مهمی مانند در رهن بودن ملک یا نداشتن پروانه ساخت را از آمر پنهان نماید جرم مزبور محقق می‌شود.

دومین مورد، قرارداد است. معمولاً میان آمر و دلال یک قرارداد خصوصی برای تعیین وظایف دلال، اجرت و سایر شرایط اجرای قرارداد منعقد می‌گردد. اگر دلال برخلاف شرایط مذکور در قرارداد و به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید جرم محقق می‌گردد. البته، قلمرو وظایف قراردادی که تخلف از آن‌ها می‌تواند در چارچوب ماده ۳۴۹ واجد وصف کیفری شود، نمی‌تواند فراتر از حدود متعارف حرفه‌ای و مقررات آمره حاکم بر دلالتی گسترش یابد.

در مواردی نیز قانون و قرارداد نسبت به برخی وظایف دلال حکمی ندارند؛ اما عرف تجاری محل وظایف و تکالیفی را بر عهده دلال قرار می‌دهد. در این صورت نیز اگر دلال برخلاف وظایف عرفی و به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید رفتار مجرمانه به منصفه ظهور رسیده است. بدیهی است مراد از عرف، عرف صحیح و مستقر حرفه‌ای است و رویه‌های ناصواب یا مبتنی بر تبانی را نمی‌توان به‌عنوان منبع مشروع تعهدات دلال تلقی کرد و مبتنی بر آن حکم به تحقق جرم دلال داد.^۱

^۱ تفصیل بحث درباره «عرف تجاری محل» در بخش بعد خواهد آمد.

از آنچه گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که می‌توان عبارت «برخلاف وظیفه» را ناظر به هر فعل یا ترک فعلی دانست که با تعهدات قانونی، قراردادی یا عرفی دلال نسبت به آمر ناسازگار بوده و وی را از مسیر وفاداری و امانت‌داری خارج می‌کند؛ البته در تحلیل نقش قرارداد و عرف در تعیین «وظیفه» دلال، باید به روشنی میان «منشأ قانونی جرم» و «منابع تکمیلی تعهدات حرفه‌ای» تفکیک قائل شد. آنچه به رفتار دلال وصف کیفی می‌بخشد، نص صریح قانون‌گذار در ماده ۳۴۹ قانون تجارت (و متناظر آن ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳) است؛ به این معنا که اصل جرم‌انگاری و تهدید به مجازات، به‌طور انحصاری بر اراده قانون‌گذار استوار است و نه بر قرارداد خصوصی یا عرف تجاری. در این چارچوب، قرارداد میان آمر و دلال و نیز عرف تجاری محل، صرفاً در مقام تعیین حدود و مصادیق «وظیفه» عمل می‌کنند و نه در مقام ایجاد جرم جدید؛ به بیان دیگر، این منابع تکمیلی مشخص می‌سازند که در وضعیت معین، از دلال چه رفتاری بر پایه قانون و انتظارات حرفه‌ای قابل انتظار بوده و خروج از کدام چارچوب رفتاری، «برخلاف وظیفه» محسوب می‌شود؛ بنابراین، اتکا به قرارداد و عرف در تبیین رکن مادی جرم خیانت دلال، در چارچوب اصل قانونی بودن جرم و مجازات قرار می‌گیرد و به معنای پذیرش جرم‌انگاری قراردادی یا عرفی مستقل نیست، بلکه تفسیر و تطبیق حکم قانونی بر مصادیق متغیر و حرفه‌ای را ممکن می‌سازد.

۲-۱-۲. اقدام به نفع طرف دیگر معامله

شرط دوم این است که اقدام دلال به نفع طرف دیگر معامله باشد؛ بنابراین صرف اینکه دلال از حدود وظایف و تکالیف خود نسبت به آمر تخطی نماید موجب تحقق مسئولیت کیفری نخواهد بود؛ بلکه لازم است که این تخطی در راستای نفع طرف مقابل باشد. اینک این سؤال پیش می‌آید که مراد از «نفع» چیست؟

در بادی امر ممکن است ذهن خواننده به سمت نفع «مادی» سوق داده شده و در مقام پاسخ چنین استدلال شود که: باینکه قانون‌گذار نفع را به‌صورت مطلق به کار برده؛ اما تنها رساندن نفع مادی به طرف معامله موجب تحقق جرم می‌گردد؛ زیرا حوزه حقوق تجارت وادی نفع یا سود مادی است؛ مضافاً اینکه این برداشت تفسیر مضیق و به نفع متهم خواهد بود.

اما ژرف‌نگری در ماده مزبور جلوه‌گر آن است که مراد قانون‌گذار هر اقدامی در جهت حمایت از طرف دیگر معامله و ارتقاء موقعیت یا شرایط وی در عقد موضوع دلالتی است و سود و منفعت مادی یا معنوی نتیجه این اقدام محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، در رابطه میان آمر و طرف دیگر معامله، هر اقدامی که کفه ترازو را به نفع طرف دیگر معامله سنگین نماید و به سود و مصالح وی باشد مشمول ماده مذکور خواهد بود. برای مثال اقداماتی همچون پنهان کردن اطلاعات طرف مقابل از آمر، دادن اطلاعات محرمانه آمر به طرف معامله، جهت‌دهی به روند مذاکرات برای رساندن سود بیشتر به طرف معامله، موجب تحقق رفتار مجرمانه دلال می‌گردد.

در نتیجه، با لحاظ اطلاق عبارت «نفع طرف معامله»، واژه نفع به‌صورت موسع تفسیر شده و شامل نفع مادی (مالی) و معنوی (غیرمالی) می‌شود؛ زیرا امین بودن و امانت‌داری به‌عنوان ارزش موردحمایت در جرم‌انگاری خیانت دلال با هر اقدام که نتیجه آن نفع مادی یا غیرمادی باشد مخدوش می‌گردد؛ بنابراین، نتیجه رفتار دلال یعنی خروج از امانت‌داری و وفاداری ملاک است و نه نوع نفعی که برای طرف دیگر معامله حاصل می‌شود. البته اثبات جهت‌گیری عینی و قابل احراز رفتار دلال به سمت تقویت موقعیت طرف مقابل ضروری بوده و رساندن نفع معنوی زمانی موجب تحقق جرم می‌گردد که در چارچوب رابطه تجاری و

قابل تشخیص باشد. اگرچه مراد نفع «بالفعل» نیست و کافی است رفتار دلال نوعاً و بالقوه به نفع طرف دیگر و به زیان آمر جهت گیری شده باشد.

شایان ذکر است که اقدام مذکور باید به نفع «طرف دیگر معامله» باشد و اگر دلال از حدود وظیفه خارج شده و نفعی برای «خود» یا «آمر» کسب نماید مشمول ماده مزبور نخواهد بود. در این خصوص برخی معتقدند که «ظاهراً خیانت به ثالث نیز باید مشمول همین حکم باشد» (کاوینی، پیشین: ۱۳۱). به عبارت دیگر، آن‌ها بر این عقیده‌اند که اقدام به نفع آمر برخلاف وظیفه و علیه طرف معامله نیز مشمول ماده است. این نقد از منظر حمایت گسترده‌تر از وصف امانی دلال قابل تأمل است و بهتر بود قانون‌گذار مطلق خیانت دلال و خروج از وظایف را جرم‌انگاری می‌نمود تا از وصف امانت‌داری دلال به نحو مطلق حمایت می‌شد؛ با این حال، با عنایت به صراحت عبارت «به نفع طرف دیگر معامله»، تسری حکم موجود به این موارد در چارچوب تفسیر قضایی ممکن به نظر نمی‌رسد و مستلزم مداخله قانون‌گذار و اصلاح حکم قانونی است. امری که با توجه به نهای نشدن لایحه تجارت ۱۴۰۳ همچنان قابل پیگیری است.

۲-۲. دریافت وجه یا وعده وجه توسط دلال برخلاف عرف تجاری محل از طرف دیگر معامله

مصدق دوم رکن مادی بزه مزبور، دریافت وجه یا قبول وعده وجه از سوی دلال، برخلاف عرف تجاری محل و از طرف دیگر معامله است. این صورت از رفتار مادی نیز واجد نکات متعددی است که قابلیت بررسی مستقل دارد. از آنجاکه جرم رشاء، نزدیک‌ترین عنوان مجرمانه به این مصداق به‌شمار می‌آید، مقایسه عناصر و شرایط تحقق آن با بزه مورد بحث می‌تواند به تبیین دقیق‌تر ماهیت و حدود این مصداق از رکن مادی کمک کند.

۲-۲-۱. دریافت وجه

اولین مسئله مربوط به آن چیزی است که دلال دریافت نموده یا وعده آن را می‌پذیرد. توضیح اینکه قانون‌گذار در قانون تجارت به‌طور مشخص به دریافت «وجه» یا وعده «وجه» تصریح نموده است. همین ادبیات در ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ تکرار گردیده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار تنها به دریافت پول یا وعده پول توسط دلال تصریح نموده است؛ در حالی که در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری موضوع جرم رشاء عبارت از قبول «وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی» به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است. علاوه بر آن، به موجب ماده ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات در مواردی که رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود نیز مشمول مقررات رشاء و ارتشاء خواهد بود.^۱

از مقایسه مواد فوق‌الذکر ظاهراً این نتیجه حاصل می‌شود که انجام معامله به بهای غیرواقعی با کارمند دولت موجب تحقق جرم رشاء و ارتشاء می‌گردد؛ اما اگر همان معامله را طرف معامله با بهایی بسیار پایین‌تر با دلال انجام دهد جرم موضوع ماده ۳۴۹ قانون تجارت محقق نخواهد شد! چنین برداشتی مغایر با فلسفه جرم‌انگاری رفتار مزبور است. بهتر آن است که با تفسیر غایی و هدف‌محور و با لحاظ فلسفه قانون‌گذاری استفاده از کلمه وجه و عدم ذکر سایر موارد را مبتنی بر مسامحه قانون‌گذار قلمداد

^۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص جرائم رشاء و ارتشاء و شرایط تحقق آنها رجوع کنید به: میرمحمد صادقی، حقوق جزای اختصاصی (۲) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی کشور، تهران، میزان، ۱۴۰۴، ص ۳۴۵ به بعد.

نمود و تمامی مواردی که از عملکرد طرف معامله به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وجه یا مال یا منفعتی برای دلال حاصل می‌شود را مشمول ماده دانست؛ زیرا ارزش موردحمایت در جرم‌انگاری مزبور وصف امانت‌داری دلال است و این وصف با پذیرش هر نوع مال یا منفعتی زایل خواهد شد و وجه نقد بودن یا نبودن آنچه داده و گرفته می‌شود از این منظر منشأ اثر نخواهد بود؛ بنابراین، می‌توان این نتیجه را پذیرفت که قانون‌گذار در صدد منع مطلق تحصیل هرگونه منفعت مالی نامشروع از سوی دلال بوده و قید وجه، مانع از شمول حکم نسبت به سایر اشکال اموال و منافع مادی نمی‌شود. مضافاً اینکه، در زمان تصویب قانون تجارت عمده روش پرداخت به دلال وجه نقد بود و وجه نقد نیز در عرف تجاری شامل هر نوع مال قابل تقویم به پول محسوب می‌شد؛ بنابراین، هدف قانون‌گذار ذکر مصادیق رایج بوده است؛ و نه محدود نمودن دایره رکن مادی جرم.

شایان‌ذکر است قانون‌گذار در ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ با تکرار همین ادبیات صرفاً به دریافت وجه یا پذیرش وعده آن اشاره کرده است. با لحاظ عدم تصویب نهائی این لایحه مناسب است قانون‌گذاری ماده ۵۶ آن را اصلاح نموده و هرگونه دریافت وجه یا مال یا منفعت یا معامله به بهای غیرواقعی را به صراحت مشمول حکم ماده قرار دهد.

۲-۲-۲. پذیرش وعده وجه

قانون‌گذار در خصوص نحوه تحقق عنصر مادی جرم رشاء و ارتشاء در ماده ۳ قانون تشدید و ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات تنها «أخذ» و دریافت وجه یا مال را پذیرفته است؛ بنابراین صرف توافق بر دادن وجه یا مال و پذیرش وعده آن موجب تحقق جرم تام رشاء نمی‌گردد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۴: ۳۵۵-۳۵۷)؛ لیکن در ماده ۳۴۹ قانون تجارت و ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ فرضی نیز که دلال «وعده» وجهی را قبول نماید موجب تحقق جرم دانسته شده است.

در خصوص جرم رشاء و ارتشاء برخی کشورها علاوه بر «أخذ» مال یا وجه، «درخواست» یا «قبول» وعده وجه را نیز جزء رکن مادی جرم محسوب نموده‌اند. برای مثال قوانین جزائی کشورهای فرانسه^۱، انگلستان^۲ و مصر^۳ پیشنهاد وجه یا درخواست آن را نیز مشمول این عنوان مجرمانه دانسته است. البته رویکرد قانون‌گذار ایران نیز در پیش‌نویس لایحه تعزیرات^۴ در مسیر تغییر است و در ماده ۲۰۵ آن دادن وعده یا پیشنهاد پرداخت مال یا دیگر موارد موضوع رشوه یا درخواست و قبول وعده یا پیشنهاد نیز جرم‌انگاری شده است.

به نظر می‌رسد علت پذیرش این رویکرد در قانون تجارت را باید در منشأ اتخاذ حکم ماهوی مزبور دانست. توضیح اینکه، قانون تجارت ایران برگرفته از قانون بازرگانی ۱۸۰۷ فرانسه (معروف به کد ناپلئون) است. مقررات جزائی مرتبط با جرائم حوزه

۱. ماده ۱۱-۴۳۲ قانون مجازات فرانسه (مصوب ۱۹۹۲). قابل‌دسترسی در آدرس زیر (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۸/۲۵):

https://www.legifrance.gouv.fr/codes/texte_lc/LEGITEXT000006070719/?utm_source=chatgpt.com

۲. بخش ۲ و ۳ قانون ارتشاء انگلستان (مصوب ۲۰۱۰). قابل‌دسترسی در آدرس زیر (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۸/۲۵):

https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2010/23/enacted?utm_source=chatgpt.com

۳. ماده ۱۰۳ قانون عقوبات مصر (مصوب ۱۹۳۷). قابل‌دسترسی در آدرس زیر (تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۸/۲۵):

https://www.wipo.int/wipolex/en/legislation/details/19869?utm_source=chatgpt.com

۴. نسخه منتشرشده توسط معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه (زمستان ۱۴۰۳).

حقوق تجارت در قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی شده و به‌طور خاص مواد ۱-۴۴۵ و ۲-۴۴۵ این قانون به موضوع فساد اشخاص خصوصی (اشخاصی که وظیفه عمومی ندارند) اختصاص یافته است. این مواد در مورد هر شخصی که بدون داشتن منصب دولتی، در چارچوب یک فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی، یک وظیفه مدیریتی یا کاری را برای یک شخص حقیقی یا حقوقی یا هر نهاد دیگری انجام می‌دهد، اعمال می‌شود. بنابراین، این تعریف گسترده، دلالت را به‌عنوان فعالان حرفه‌ای واسطه‌ای تجاری در بر می‌گیرد و اگر آن‌ها برای انجام عملی در سمت خود که تعهدات (قانونی، قراردادی یا حرفه‌ای) را نقض می‌کند، درخواست امتیاز کنند یا آن را بپذیرند، یا اگر کسی چنین امتیازی را به آن‌ها پیشنهاد دهد و بپذیرند، مرتکب جرم موضوع این مواد شده‌اند.^۳

با لحاظ مواد فوق‌الذکر، به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایران با اقتباس از رویکرد قانون‌گذار فرانسه پذیرش وعده وجه توسط دلال را نیز جرم‌انگاری نموده است. جرم‌انگاری پذیرش وعده وجه توسط دلال را می‌توان کوششی برای مقابله پیش‌گیرانه با گونه‌ای از «فساد خصوصی» در روابط واسطه‌ای تجاری دانست که البته اجرای آن، نیازمند حساسیت مضاعف قضایی در مقام تطبیق و تفسیر است. البته این اقتباس مورد تأیید است؛ اما به‌صورت ناقص انجام شده است. توضیح اینکه، قانون‌گذار کشورهایمانند فرانسه نه تنها «پذیرش» وعده وجه را جرم‌انگاری نموده‌اند بلکه «درخواست» وجه را نیز واجد وصف مجرمانه قرار داده‌اند. در فرض اخیر دلال نقش فعالی در ارتکاب رفتار مجرمانه داشته و با پیش‌قدم شدن به‌صورت فعالانه خروج از وصف امین بودن را آغاز می‌نماید؛ بنابراین، همان‌گونه که پذیرش وعده وجه موجب تحقق جرم می‌گردد دادن پیشنهاد و درخواست وجه توسط دلال نیز ناقض ارزش موردحمایت در مواد مزبور بوده و می‌بایست جرم‌انگاری می‌گردید؛ از این رو، اصلاح ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ و گسترش دامنه رفتارهای ناقض وصف امین بودن دلال نسبت به «درخواست» وجه، اقدامی بایسته است.

¹ . [Article 445-1](#): «Est puni de cinq ans d'emprisonnement et d'une amende de 500 000 €, dont le montant peut être porté au double du produit tiré de l'infraction, le fait, par quiconque, de proposer, sans droit, à tout moment, directement ou indirectement, à une personne qui, sans être dépositaire de l'autorité publique, ni chargée d'une mission de service public, ni investie d'un mandat électif public exerce, dans le cadre d'une activité professionnelle ou sociale, une fonction de direction ou un travail pour une personne physique ou morale ou pour un organisme quelconque, des offres, des promesses, des dons, des présents ou des avantages quelconques, pour elle-même ou pour autrui, pour qu'elle accomplisse ou s'abstienne d'accomplir, ou parce qu'elle a accompli ou s'est abstenue d'accomplir un acte de son activité ou de sa fonction ou facilité par son activité ou sa fonction, en violation de ses obligations légales, contractuelles ou professionnelles. Est puni des mêmes peines le fait, par quiconque, de céder à une personne visée au premier alinéa qui sollicite, sans droit, à tout moment, directement ou indirectement, des offres, des promesses, des dons, des présents ou des avantages quelconques, pour elle-même ou pour autrui, pour accomplir ou avoir accompli, pour s'abstenir ou s'être abstenue d'accomplir un acte visé audit alinéa, en violation de ses obligations légales, contractuelles ou professionnelles».

² . [Article 445-2](#): «Est puni de cinq ans d'emprisonnement et d'une amende de 500 000 €, dont le montant peut être porté au double du produit tiré de l'infraction, le fait, par une personne qui, sans être dépositaire de l'autorité publique, ni chargée d'une mission de service public, ni investie d'un mandat électif public exerce, dans le cadre d'une activité professionnelle ou sociale, une fonction de direction ou un travail pour une personne physique ou morale ou pour un organisme quelconque, de solliciter ou d'agréer, sans droit, à tout moment, directement ou indirectement, des offres, des promesses, des dons, des présents ou des avantages quelconques, pour elle-même ou pour autrui, pour accomplir ou avoir accompli, pour s'abstenir ou s'être abstenue d'accomplir un acte de son activité ou de sa fonction ou facilité par son activité ou sa fonction, en violation de ses obligations légales, contractuelles ou professionnelles».

³ . https://solent-avocats.com/en/prosecution-of-commercial-bribery-sanctions-procedure-and-compliance-obligations/?utm_source=chatgpt.com

۲-۲-۳. ملاک ممنوعیت یا جواز دلال نسبت به دریافت وجه یا وعده آن

در ادامه بررسی ملاک ممنوعیت یا جواز دلال نسبت به دریافت وجه یا وعده آن حائز اهمیت است. توضیح اینکه، قانون‌گذار در ماده ۳۴۹ قانون تجارت و ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ مقرر می‌دارد که دلال حق ندارد برخلاف «عرف تجاری محل» از طرف معامله وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. هر یک از سه واژه به کار رفته در این عبارت در تعیین ملاک مذکور حائز اهمیت است.

۲-۲-۳-۱. عرف

با لحاظ این قید، ملاک جواز یا عدم جواز دریافت وجه، «عرف» است. البته ملاک بودن عرف به معنای نادیده‌انگاشتن و بی‌تأثیری «قانون» و «قرارداد» نیست. توضیح اینکه، اگر در قوانین و مقررات حکم خاصی در خصوص دریافت هزینه یا اجرت یا هرگونه وجهی توسط دلال مقرر شده باشد می‌توان به آن عمل کرد. برای مثال ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۳) قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول (مصوب ۱۴۰۴/۷/۲ هیئت‌وزیران) مقرر می‌دارد: «مسئولیت پرداخت تعرفه [دلالت معاملات املاک] بر عهده دو طرف قرارداد بوده که به‌طور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود. مگر اینکه در قرارداد به نحو دیگری توافق کنند». بنابراین، در فرض این ماده دریافت حق تعرفه از طرف دیگر معامله به‌موجب حکم قانون (و نه عرف) مجاز است.

اینک اگر دلال اضافه‌بر حکم قانونی فوق وجه یا وعده وجهی از هریک از طرفین دریافت کند آیا جرم مزبور محقق می‌گردد؟ هرچند که در ماده ۳۴۹ قانون تجارت تعهد دلال نسبت به آمر بوده و قانون‌گذار درصدد حمایت از رابطه امانی میان آن دو است؛ اما به نظر می‌رسد در این فرض با لحاظ اینکه تعرفه و مخارج به‌صورت مساوی از جانب هر دو طرف معامله پرداخت می‌گردد؛ لذا تعهد دلال نسبت به هر دو طرف بوده و به تعبیری هر دو آمر محسوب می‌گردند و اگر دلال وجه یا وعده وجهی علاوه بر اجرت و مخارج قانونی از هریک از طرفین دریافت دارد جرم مزبور محقق می‌گردد.

علاوه‌بر عرف، «قرارداد» نیز می‌تواند موجب جواز دریافت وجه باشد. توضیح اینکه اصولاً قرارداد دلالتی میان آمر و دلال منعقد می‌گردد و پرداخت اجرت و هزینه‌های دلال بر عهده آمر است. در این خصوص قانون‌گذار در ماده ۳۵۴ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد». براین اساس امکان دارد با لحاظ مفاد قرارداد منعقد میان آمر و طرف معامله، دلال اجرت و سایر هزینه‌ها را از طرف دیگر معامله دریافت نماید. هرچند عرف تجاری در این خصوص وجود نداشته یا حتی برخلاف آن باشد. البته اگر چنین قراردادی وجود داشته باشد؛ اما دلال علاوه‌بر میزان مقرر در آن وجه یا وعده وجهی از طرف مقابل دریافت نماید با حصول شرایط، جرم محقق می‌گردد؛ اما اگر طبق قرارداد پرداخت اجرت و مخارج بر عهده آمر باشد و دلال وجه یا وعده وجهی علاوه بر آن از آمر دریافت دارد حکم مسئله چیست؟

به نظر می‌رسد در مقابل نص نمی‌توان اجتهاد نمود و با لحاظ حکم صریح ماده ۳۴۹ قانون تجارت و نیز ارزش موردحمایت که شرح آن گذشت، در اینجا جرمی به وقوع نپیوسته و دلال قابل تعقیب کیفری نیست. البته این وضعیت می‌تواند در قالب عناوین دیگری مانند مسئولیت مدنی یا حتی در موارد خاص، عناوین کیفری دیگر (مثلاً کلاهبرداری) بررسی شود، اما تحت عنوان بزه خیانت دلال موضوع ماده ۳۴۹ قرار نمی‌گیرد.

۲-۲-۳-۲. تجاری

ثانیاً ملاک، عرف «تجاری» است و نه عادی. عرف تجاری را می‌توان قاعده‌ای دانست که از روش جمعی یا گروهی تجار ناشی شده و همه بازرگان کشور یا ناحیه‌ای مشخص در پذیرش یا الزام‌آور دانستن آن تردید ندارند (صقری، ۱۴۰۱: ۵۱۰). به عبارت دیگر، عرف تجاری قاعده‌ای است که فعالان تجاری به آن عمل می‌کنند بدون اینکه حکمی قانون در آن خصوص وجود داشته باشد (اسکینی، پیشین: ۳۳) و به دلیل تکرارشان در یک گروه یا بازار مرجع، دارای نیروی الزام‌آوری هستند (Mousseron, 2011, 2226).

با لحاظ حکم مقرر در ماده ۳۴۹ قانون تجارت و ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ ملاک احراز تخلف دلال عرف تجاری صحیح و مسلم است. بنابراین، در تعارض یا تفاوت عرف عمومی و عرف تجاری، عرف تجاری مقدم خواهد بود و رفتار دلال با لحاظ این عرف سنجیده می‌شود. البته در صورت وجود قرارداد، آنچه در آن توافق شده بر عرف مقدم خواهد بود. اگر میان عرف تجاری و قانون در خصوص جواز دریافت وجه از طرف معامله توسط دلال تفاوت وجود داشته باشد حکم مسئله چگونه است؟ به نظر می‌رسد همسوا با نظر برخی حقوق‌دانان باید بر این عقیده بود که «اگر تعارض میان عرف و «قانون امری» باشد، بدون تردید قانون مقدم است و اجرا می‌شود. اما اگر تعارض میان عرف و «قانون تکمیلی» باشد، باید عرف و عادت مسلم مقدم دانست؛ زیرا صرف نظر از مباحث مربوط به جایگاه منابع حقوق از دیدگاه فلسفه حقوق، عرف به‌عنوان اراده ضمنی طرفین معامله محسوب می‌شود و از دید حقوقی چنین تحلیل می‌شود که طرفین، قرارداد را بر مبنای آن منعقد کرده‌اند و مطابق قاعده، متعاملین می‌توانند برخلاف قانون تکمیلی توافق نمایند» (عبدی‌پور فرد، پیشین: ۳۸).^۱

۲-۲-۳-۳. محل

عرف تجاری «محل» مناط عمل خواهد بود. در خصوص این قید اگر محل انعقاد عقد دلالی و محل ایفای تعهد موضوع عقد یکی باشد اصولاً مشکلی پیش نمی‌آید؛ لیکن اگر عرف محل انعقاد عقد دلالی دریافت وجه از طرف دیگر معامله را جایز نداند؛ اما عرف محلی که تعهد دلال در آنجا باید انجام شود چنین دریافتی را بلاشکال بداند (یا برعکس) کدام یک را باید ملاک قرار داد؟ برای مثال عقد دلالی در شهر جهرم منعقد و در این شهر دریافت وجه از طرف دیگر معامله عرفاً ممنوع باشد؛ اما تعهد دلال در تهران انجام و دریافت وجه از طرف معامله مطابق با عرف محل جایز باشد حکم مسئله چگونه است؟ قوانین و مقررات این فرض را تعیین و تکلیف نکرده‌اند. به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش باتوجه به سکوت قانون‌گذار، خالی از ابهام نیست. در جهت بی‌پاسخ نگذاشتن سؤال به نظر می‌رسد اگر عرف و عادت محل خاصی را ملاک نداند با لحاظ ماده ۲۸۰ قانون مدنی^۲ و سهولت اثبات محل عقد، در مقام تحلیل کیفری تکیه بر محل انعقاد معقول‌تر است. البته در چنین مواردی عدم مجازات دلال

۱. عبدی‌پور فرد، پیشین، ص ۳۸؛ برای مطالعه در خصوص سایر راه‌حل‌های رفع تعارض عرف تجاری با قانون رک: صقری، حقوق تجارت (۱) تاجر، فعالیت‌ها و دفاتر تجاری، پیشین، صص ۵۴-۵۵.

۲. ماده ۲۸۰ قانون مدنی: «انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده به عمل آید مگر اینکه بین متعاملین قرارداد مخصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید»؛ کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم: اجرای قرارداد، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۳، ص ۶۲؛ امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۳، صص ۳۸۳-۳۸۴؛ شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، مجد، ۱۴۰۳، ص ۵۰.

بر اساس تردید در عنصر روانی یا پذیرش شبهه و اعمال قاعده در حکمی مناسب است.^۱ گفتنی است اگر میان عرف تجاری منطقه‌ای که عقد دلالتی در آن واقع شده با عرف تجاری کلی حاکم در کشور تفاوت وجود داشته باشد نیز پاسخ همین است.

۳. شرایط ناظر بر جرم

برای تحقق رفتار مجرمانه دلال شرایط و اوضاع و احوالی مورد تأمل است که در این بخش از پژوهش مطمح نظر قرار می‌گیرد.

۳-۱. تأثیر علم و اطلاع طرف معامله

آیا علم و اطلاع طرف معامله یا تبانی دلال با وی شرط تحقق رکن مادی است؟ برای تحقق جرم رشاء و ارتشاء وجود نوعی توافق به‌طور صریح یا ضمنی ضروری است (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۴: ۳۷۰-۳۷۱). بنابراین، جرم رشاء بدون توافق میان راشی و مرتشی محقق نمی‌گردد؛ اینک آیا جرم محسوب شدن رفتار دلال در فرض دریافت وجه یا وعده وجه از طرف دیگر معامله منوط به نوعی توافق میان آنهاست؟

از ظاهر مواد ۳۴۹ قانون تجارت و ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ چنین امری برداشت نمی‌گردد؛ زیرا در متن این مواد هیچ اشاره‌ای به اطلاع طرف مقابل یا تبانی دلال با وی نشده است و ظاهراً رفتار مجرمانه دلال مستقل از قصد یا آگاهی طرف دیگر معامله محقق می‌گردد؛ زیرا حتی اگر طرف دیگر معامله نداند که دلال برخلاف وظیفه‌ای عمل می‌کند یا دلال مجاز به گرفتن وجه از وی نیست باز هم حقوق آمر مخدوش شده و دلال از وصف امین بودن خارج شده و بنابراین جرم محقق می‌گردد. بنابراین، رکن مادی جرم وابسته به رفتار دلال است و آگاهی یا همکاری طرف دیگر معامله شرط تحقق جرم نیست. مضافاً اینکه همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید در حقوق برخی کشورها مانند فرانسه حتی درخواست وجه از جانب دلال با وجود مخالف طرف مقابل، موجب تحقق جرم می‌گردد.

۳-۲. تأثیر ماهیت مالی یا غیرمالی آنچه به دلال داده می‌شود

برای تحقق جرم دلال جنبه مالی داشتن آنچه داده یا گرفته می‌شود لازم است؟ در پاسخ باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد: در فرضی که دلال از حدود وظایف و تکالیف خود نسبت به آمر تخطی و به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید، در مباحث پیشین مشخص گردید که مراد قانون‌گذار انجام هر اقدامی در جهت حمایت از طرف دیگر معامله و ارتقاء موقعیت یا شرایط وی در عقد موضوع دلالتی است و سود و منفعت مادی یا معنوی نتیجه این اقدام محسوب می‌گردد. باین حال، اگر رفتار دلال تنها نفع معنوی به طرف مقابل برساند پذیرش تحقق جرم مشکل است. در نتیجه، هرچند در این فرض نفع می‌تواند ماهیت غیرمالی نیز داشته باشد، اما باید در قالب یک مزیت عینی و قابل احراز در زمینه‌ی معامله ظاهر شود؛ نفع‌های کاملاً شخصی، حیثیتی یا صرفاً روانی، بدون ارتباط مشخص با قرارداد، نمی‌تواند به‌تنهایی برای تحقق عنصر مادی کافی باشد.

در فرضی دوم که قانون‌گذار از آن با عنوان پذیرش وجه یا وعده وجه یاد می‌کند قضاات آسان‌تر است. همان‌گونه که پیش‌تر تبیین گردید در این فرض وجه یا مال منفعتی برای دلال تحصیل یا وعده آن پذیرفته می‌شود. اینک اگر طرف دیگر معامله

^۱. ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۰): «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

به جای پرداخت وجه یا وعده آن، به دلال وعده اعلام رضایت در شکایتی که علیه او دارد یا مساعدت در جهت تمدید پروانه دلالی دهد و دلال بپذیرد آیا جرم محقق می‌شود؟ در این فرض نیز باید قائل به عدم تحقق جرم بود؛ زیرا قانون‌گذار در مواد مزبور به صراحت به پرداخت وجه اشاره می‌نماید و تفسیر مضیق و به نفع متهم مانع از آن است که وعده‌های غیرمالی را موجب تحقق جرم بدانیم. بنابراین، هرچند ممکن است در سطح اخلاقی یا مدنی، قبول وعده‌های غیرمالی نیز نوعی خروج امانت‌داری تلقی شود، اما در چهارچوب فعلی ماده ۳۴۹ و ۵۶، نمی‌توان آن را به‌عنوان «رکن مادی بزه خیانت دلال» تلقی کرد، مگر آن‌که قانون‌گذار در اصلاحات آتی دامنه حکم را صریحاً توسعه دهد.

۳-۳. تأثیر انجام دادن یا ندادن کار توسط دلال

ازلحاظ تأثیر انجام دادن یا ندادن کار موردنظر طرف معامله در تحقق جرم باید میان مصادیق مذکور در مواد مزبور قائل به تفکیک شد. در فرض اول که صراحتاً قانون‌گذار مقرر می‌دارد «دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید». بنابراین، در این فرض دلال عملاً اقدامی به نفع طرف دیگر انجام می‌دهد و صرف تصمیم به اقدام کفایت نمی‌کند. البته مراد از اقدام صرفاً کنش مثبت نیست و کنش منفی (ترک فعل و عدم اقدام) نیز موجب تحقق جرم می‌گردد.

در فرض دوم که دلال وجه یا وعده وجه را می‌پذیرد به نظر صرف توافق دلال با طرف معامله موجب تحقق جرم گردیده و انجام فعل یا ترک فعلی در عالم واقع، شرط تحقق این مصداق از رفتار مجرمانه نیست. چنین رویکردی در جرم رشاء و ارتشاء نیز پذیرفته شده است و برخی حقوق‌دانان در این خصوص معتقدند که انجام دادن یا ندادن کاری که بابت آن رشوه داده یا گرفته می‌شود مؤثر در مقام نیست (همان: ۳۷۸-۳۸۰).

۴. رکن روانی و مجازات دلال

در این بخش عنصر روانی لازم برای تحقق رفتار مجرمانه دلال و مجازات مقرر برای آن را موردبررسی قرار می‌دهیم. تا از یکسو، سوءنیت لازم و تأثیر قصد و نیت دلال بر تحقق بزه نمایان گردد و از سوی دیگر با بررسی مجازات نسبت میان رفتار ارتكابی و واکنش کیفری قانون‌گذار مشخص شود.

۴-۱. رکن روانی

علی‌رغم اینکه قانون‌گذار در مواد ۳۴۹ قانون تجارت و ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ عبارت یا قیدی که عمدی بودن جرم را برساند نیاورده اما با لحاظ اینکه اصل بر عمدی بودن جرائم بوده و خلاف آن محتاج تصریح است (خالقی و رجب، ۱۳۹۲: ۱۲۱) لذا تنها رفتار «عمدی» دلال موجب تحقق جرم می‌گردد. بنابراین، دلال باید از سوءنیت عام یعنی اراده خودآگاه در ارتكاب رفتار مجرمانه، برخوردار باشد. سوءنیت عام در این جرم مستلزم آن است که دلال، آگاهانه و با علم به جایگاه دلالی خود، از وجود تکلیف قانونی یا قراردادی نسبت به امر مطلع باشد و با این حال، آگاهانه رفتاری مغایر با آن وظیفه از خود بروز دهد.

در خصوص سوءنیت خاص باید میان مصادیق رکن مادی قائل به تفکیک شد. در مصداق اول که در آن دلال برخلاف وظیفه اقدامی به نفع طرف دیگر معامله انجام می‌دهد وجود سوءنیت خاص لازم بوده و دلال باید با قصد رساندن نفع به طرف دیگر معامله - که روی دیگر آن رسیدن ضرر به امر است - رفتار مادی را مرتکب شود. بنابراین ترجیح آگاهانه نفع طرف دیگر

معامله بر منافع آمر سوءنیت خاص را تشکیل می‌دهد و این مصداق جزء جرائم مقید محسوب می‌گردد. البته مقید به قصد انجام رفتاری به نفع طرف دیگر معامله و به ضرر آمر (و نه ایجاد ضرر بالفعل به آمر) است.

اما در مصداق دوم رکن مادی یعنی گرفتن وجه یا پذیرش وعده آن، وجود سوء نیست خاص - مثلاً قصد ضرر زدن به آمر یا رساندن نفع به طرف دیگر معامله - ضروری نیست^۱ و به محض دریافت وجه را قبول وعده آن جرم محقق می‌گردد. بنابراین، اینکه در عمل اقدامی با قصد رساندن نفع به طرف دیگر معامله و به ضرر آمر انجام شود ضروری نبوده و جرم مزبور در این مصداق جزء جرائم مطلق محسوب می‌گردد.

۲-۴. مجازات

فرجام انجام رفتار ممنوع توسط دلال، اعمال مجازات است. جرم دلال دارای عناصر تشکیل‌دهنده خاص خود است و تنها از باب اشتراک وصف امانت‌داری و امین بودن دلال و وجود ید امانی وی، مجازات جرم خیانت‌درامانت در ماده ۳۴۹ قانون تجارت برای آن لحاظ گردیده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار امانت عرفی و قانونی را به منزله امانت قراردادی محسوب و برای آن مجازات مشابه با خیانت‌درامانت در نظر گرفته است. درحالی‌که بررسی ارکان مادی بزه دلال نمایان‌گر آن است که اجزای عنصر مادی جرم خیانت‌درامانت که بر سپردن مال و قرار بر استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده و اقدام مجرمانه انحصاری تصاحب، تلف، استعمال و مفقود نمودن مال در آن وجود ندارد (حبیب‌زاده، ۱۴۰۳: ۴۵۵) و تنها از جهت نوع و میزان مجازات به جرم خیانت‌درامانت احاله داده شده است. این موضوع سبب ایجاد تفاوت‌هایی میان احکام حاکم بر مجازات دلال و مجازات خیانت‌درامانت گردیده است؛ برای مثال خیانت‌درامانت به موجب ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۹) جرمی قابل‌گذشت محسوب می‌شود اما خیانت دلال از شمول حکم مقرر در ماده ۱۰۴ خارج بوده و جرمی واجد جنبه عمومی و غیرقابل‌گذشت محسوب می‌گردد؛ زیرا جرم‌انگاری در قانون تجارت هدفی فراتر از جبران خسارت اشخاص خصوصی دارد^۲ و باهدف تحقق و حفظ اعتماد در روابط تجاری و تنظیم نظم حاکم بر آن روابط صورت می‌گیرد.

قانون‌گذار در ماده ۳۴۹ قانون تجارت به دلال وعید مجازات خیانت‌درامانت می‌دهد. این مجازات به موجب ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات^۳ «حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه» خواهد بود. مجازات دلال در ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳ به «جزای نقدی درجه چهار^۴ و دو سال محرومیت از دلالی» تغییر یافته است. این مجازات از یک سو هم‌راستا با سیاست‌های حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها است و از سوی دیگر نقیصه فقدان مجازات تکمیلی الزامی متناسب با تخلف دلال در قانون تجارت را برطرف نموده و دلال متخلف علاوه بر محرومیت از اجرت و هزینه‌ها، تا دو سال از دلالی محروم خواهد شد. بنابراین، رویکرد سنتی قانون‌گذار مبتنی بر واکنش کیفری کوتاه مدت سالب آزادی به سمت مجازات مالی حرکت

۱. برای مطالعه در خصوص عنصر روانی جرائم رک: منصورآبادی، عباس، حقوق جزای عمومی (۱)، تهران، میزان، ۱۴۰۰، صص ۲۶۷-۳۰۵؛ شمس ناتری، محمدابراهیم و دیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، میزان، ۱۴۰۴، صص ۵۰۱-۵۰۵.

۲. برای مطالعه در خصوص مبانی جبران ضرر و زیان ناشی از جرم رک: وکیلی، مصطفی، شیخ‌الاسلامی، عباس، مبانی جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در نظام دادرسی ایران و انگلستان (چالش‌ها و راهکارها)، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۳، شهریور ۱۴۰۴، صص ۳۳۳-۴۱۳.

۳. مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی. با لحاظ اینکه مجازات خیانت دلال از نوع «تعزیر» است برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت تعزیر و کارایی آن رک: ساکت، محمد حسین، نگاهی نو به کیفری کهن: تعزیر، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳، شهریور ۱۴۰۴، صص ۲۶۳-۲۷۶.

۴. بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون ریال تا سه میلیارد و سیصد میلیون ریال.

کرده و با در نظر گرفتن محرومیت از شغل دلالی برای مدت دو سال اثر مستقیم‌تری بر تضمین صحت عملکردهای واسطه‌های تجاری و پیشگیری از بروز تخلفات مشابه دارد و از نظر «تناسب با ارزش مورد حمایت» (امین بودن در حرفه دلالی) قابل دفاع است.

البته در هیچ‌یک از مواد مزبور میان موارد خفیف و شدید خیانت دلال بر پایه میزان ضرر وارده به آمر تفکیک یا درجه‌بندی نشده و همگی ذیل یک چارچوب کلی واحد کیفرگذاری شده‌اند. این یکسان‌نگاری، از حیث تناسب میان مجازات و شدت رفتار مجرمانه و رعایت عدالت کیفری، قابل نقد و محل تأمل تقنینی است. افزون بر این، نه در قانون تجارت و نه در لایحه تجارت ۱۴۰۳، برای طرف دیگر معامله‌ای که وجهی به دلال می‌پردازد یا وعده‌ی آن را می‌دهد، ضمانت اجرای کیفری مستقلی پیش‌بینی نشده است. بدین ترتیب، واکنش کیفری عملاً یک‌سویه و صرفاً متوجه دلال است؛ در حالی که طرف مقابل در شق دوم رفتار مادی، نقش «راشی خصوصی» را ایفا می‌کند. این خلأ می‌تواند از کارایی بازدارندگی جرم‌انگاری بکاهد و از این حیث شایسته است قانون‌گذار در مراحل تصویب نهائی لایحه تجارت ۱۴۰۳ ماده ۵۶ را اصلاح نموده و نوعی مسئولیت متناسب برای طرف دیگر معامله را نیز مورد توجه قرار دهد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بزه «خیانت دلال» موضوع ماده ۳۴۹ قانون تجارت و ماده ۵۶ لایحه تجارت ۱۴۰۳، واجد ماهیتی خاص و متفاوت از خیانت‌درامانت عام است و بر وصف «امانت‌داری» ناشی از رابطه‌ی قراردادی-عرفی میان دلال و آمر استوار است. در این چارچوب، نه صرف رابطه‌ی دلالی، بلکه تکالیف ناشی از قرارداد و عرف تجاری محل، حدود این وصف امانی و در نتیجه قلمرو مداخله کیفری را تعیین می‌کند. با این حال، این نقش قرارداد و عرف به‌هیچ‌وجه به‌منزله‌ی منشأ جرم‌انگاری نیست، بلکه صرفاً نقش تبیینی و تکمیلی در شناسایی مصادیق نقض وظیفه دارد.

تحلیل ارکان مادی این بزه نمایان نمود که مقنن دو الگوی رفتاری مستقل را جرم‌انگاری کرده است: نخست، اقدام آگاهانه دلال به نفع طرف دیگر معامله و به زیان آمر، و دوم، دریافت وجه یا پذیرش وعده‌ی آن از طرف مقابل و فارغ از تحقق ضرر بالفعل. این تفکیک، هرچند از حیث سیاست جنایی قابل دفاع است اما در عمل با ابهام‌هایی مواجه است؛ از جمله عدم شمول صریح منافع غیرنقدی و امتیازات غیرمالی، سکوت نسبت به معامله با بهای غیرواقعی و دشواری احراز معیارهای عرفی در بسترهای متنوع تجاری.

از منظر تقنینی در لایحه تجارت ۱۴۰۳ با کنارگذاشتن رویکرد سنتی حبس‌گرایی و پیش‌بینی جزای نقدی همراه با ممنوعیت از دلالی تا دو سال، تلاشی معنادار برای متناسب‌سازی پاسخ کیفری با ماهیت حرفه‌ای این بزه و ارزش مورد حمایت صورت گرفته است. با این حال رفع برخی کاستی‌ها به‌ویژه تصریح به مسئولیت کیفری طرف دیگر معامله و برقراری نظام روشن برای درجه‌بندی واکنش کیفری بر اساس شدت زیان، می‌تواند به کارآمدی و انسجام بیشتر مداخله کیفری و تقویت ارزش‌های بنیادین روابط واسطه‌ای تجاری منجر شود.

در پرتو یافته‌های این پژوهش، می‌توان چند محور اصلی را برای تحقیقات آتی پیشنهاد کرد: نخست، بررسی نظام‌مند حدود و محتوای وظایف قراردادی و عرفی دلال و تأثیر آن بر تمایز میان مسئولیت مدنی و کیفری؛ دوم، مطالعه‌ی مبنایی نسبت این

وظایف با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و جایگاه قرارداد و عرف در تعیین حدود مسئولیت کیفری؛ سوم، چالش‌ها و راهکارهای پیشگیری از فساد در روابط واسطه‌ای تجاری؛ چهارم، بررسی مسئولیت کیفری دلال در بسترهای نوین تجاری و پلتفرم‌های آنلاین.

منابع

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازمان‌دهی فعالیت‌های تجاری، جلد اول، تهران، سمت، ۱۴۰۳.
۲. امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۳.
۳. امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۲.
۴. ایزدی، نرگس، تعهدات اصلی وکیل در برابر موکل (در حقوق ایران، مصر و انگلستان)، نشریه فقه و حقوق خانواده، شماره ۳۳، ۱۳۸۳.
۵. پاسبان، محمدرضا، حقوق تجارت: کلیات، تاجر و اعمال تجاری، جلد اول، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۲.
۶. حاجی عزیزی، بیژن، اعتماد، سیده مریم، ضمانت اجرای عدم رعایت مصلحت در وکالت، نشریه فقه و اصول، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۴.
۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر، تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت‌درامان در حقوق کیفری ایران، تهران، دادگستر، ۱۴۰۳.
۸. خالقی، علی، رجب، محمدعلی، تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی (مطالعه تطبیقی)، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره اول، ۱۳۹۲.
۹. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت (۴): قراردادهای تجاری و ورشکستگی و تصفیه، تهران، دادگستر، ۱۴۰۳.
۱۰. سلیمیان، ابوالفضل، هاشمی باجگانی، سیدجعفر، جایگاه و اهمیت اخلاق در حرفه وکالت، نشریه اندیشمندان حقوق، شماره ۹، ۱۳۹۵.
۱۱. شمس ناتری، محمدابراهیم، کلاتری، حمیدرضا، زارع، ابراهیم، ریاضت، زینب، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، میزان، ۱۴۰۴.
۱۲. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، مجد، ۱۴۰۳.
۱۳. صقری، محمد، حقوق تجارت (۱): تاجر، فعالیت‌ها و دفاتر تجاری، تهران، مجد، ۱۴۰۱.
۱۴. صقری، محمد، دوره جدید حقوق بازرگانی کلیات و قراردادهای، تهران، مجد، ۱۴۰۲.
۱۵. عبدی پور فرد، ابراهیم، حقوق تجارت: جلد اول: تجار و معاملات تجاری، تهران، مجد، ۱۴۰۳.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای، جلد چهارم: اجرای قرارداد، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۳.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی: عقود معین، جلد چهارم: عقود اذنی-وثیقه‌های دین، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۳.
۱۸. کاوبانی، کورش، مقدمه حقوق تجارت: حقوق تجارت (۱)، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۴۰۲.
۱۹. ساکت، محمد حسین، نگاهی نو به کیفری کهن: تعزیر، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳، شهریور ۱۴۰۴. [۱۰.۲۲۰۳۴/jclc.۲۰۲۵.۷۲۰۹۶۲](https://www.jclc.ir/jclc.2025.720962.10.22034)
۲۰. منصورآبادی، عباس، حقوق جزای عمومی (۱)، تهران، میزان، ۱۴۰۰.
۲۱. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، میزان، سال ۱۴۰۳.
۲۲. میرمحمد صادقی، حقوق جزای اختصاصی (۲) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی کشور، تهران، میزان، ۱۴۰۴.
۲۳. وکیلی، مصطفی، شیخ الاسلامی، عباس، مبانی جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در نظام دادرسی ایران و انگلستان (چالش‌ها و راهکارها)، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۳، شهریور ۱۴۰۴. [۱۰.۲۲۰۳۴/jclc.۲۰۲۴.۲۰۴۸۱۰.۱۱۳۱](https://www.jclc.ir/jclc.2024.204810.1131.10.22034)

24. https://www.legifrance.gouv.fr/codes/texte_lc/LEGITEXT000006070719/?utm_source=chatgpt.com
25. https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2010/23/enacted?utm_source=chatgpt.com
26. https://www.wipo.int/wipolex/en/legislation/details/19869?utm_source=chatgpt.com
27. https://solent-avocats.com/en/prosecution-of-commercial-bribery-sanctions-procedure-and-compliance-obligations/?utm_source=chatgpt.com
28. Mousseron, Pierre, USAGES ET NORMES PRIVÉES, RRJ 2011-5 – Cahiers de méthodologie juridique, p 2226.

References:

1. Eskini, Rabeea, *Commercial Law: Generalities, Commercial Transactions, Merchants, and the Organization of Commercial Activities*, Vol. 1, Tehran: SAMT, 1403 (2024–2025). (in Persian)
2. Emami, Hassan, *Civil Law*, Vol. 1, Tehran: Eslamiyeh, 1403 (2024–2025). (in Persian)
3. Emami, Hassan, *Civil Law*, Vol. 2, Tehran: Eslamiyeh Publications, 1402 (2023–2024). (in Persian)
4. Izadi, Narges, “The Principal Obligations of the Attorney toward the Client (in Iranian, Egyptian, and English Law),” *Feqh va Hoquq-e Khanevadeh* [Journal of Family Jurisprudence and Law], No. 33, 1383 (2004–2005). (in Persian)
5. Pasban, Mohammadreza, *Commercial Law: Generalities, the Merchant, and Commercial Acts*, Vol. 1, Tehran: Ganj-e Danesh, 1402 (2023–2024). (in Persian)
6. Haji Azizi, Bijan; Etemad, Seyedeh Maryam, “The Legal Sanction for Failure to Observe the Principal’s Best Interest in Agency,” *Feqh va Osul* [Journal of Fiqh and Usul], No. 100, 1394 (2015–2016). (in Persian)
7. Habibzadeh, Mohammad Ja’far, *An Analysis of the Offences of Fraud and Breach of Trust in Iranian Criminal Law*, Tehran: Dadgostar, 1403 (2024–2025). (in Persian)
8. Khaleqi, Ali; Rajab, Mohammadali, “An Analysis of the Objective (Type-Based) Criterion in the Mental Element of Intentional Homicide (A Comparative Study),” *Pazhooeshnameh-ye Hoquq-e Keyfari* [Criminal Law Research Journal], Vol. 4, No. 1, 1392 (2013–2014). (in Persian)
9. Sotoudeh Tehrani, Hassan, *Commercial Law (4): Commercial Contracts, Bankruptcy, and Liquidation*, Tehran: Dadgostar, 1403 (2024–2025). (in Persian)
10. Salimian, Abolfazl; Hashemi Bajgani, Seyed Ja’far, “The Status and Importance of Ethics in the Legal Profession,” *Andishmandan-e Hoquq* [Legal Thinkers Journal], No. 9, 1395 (2016–2017). (in Persian)
11. Shams Nateri, Mohammad Ebrahim; Kalantari, Hamidreza; Zare’, Ebrahim; Riazat, Zeynab, *The Islamic Penal Code in the Current Legal Order*, Tehran: Mizan, 1404 (2025–2026). (in Persian)
12. Shahidi, Mehdi, *Discharge of Obligations*, Tehran: Majd, 1403 (2024–2025). (in Persian)
13. Saghari, Mohammad, *Commercial Law (1): The Merchant, Activities, and Commercial Books*, Tehran: Majd, 1401 (2022–2023). (in Persian)
14. Saghari, Mohammad, *The New Series of Business Law: Generalities and Contracts*, Tehran: Majd, 1402 (2023–2024). (in Persian)
15. Abdi Pourfard, Ebrahim, *Commercial Law, Vol. 1: Merchants and Commercial Transactions*, Tehran: Majd, 1403 (2024–2025). (in Persian)
16. Katouzian, Nasser, *Civil Law Course: General Rules of Contracts, Vol. 4: Performance of the Contract*, Tehran: Ganj-e Danesh, 1403 (2024–2025). (in Persian)
17. Katouzian, Nasser, *Civil Law Course: Specific Contracts, Vol. 4: Contracts of Authorization (Ezni) and Debt Securities/Guarantees*, Tehran: Ganj-e Danesh, 1403 (2024–2025). (in Persian)
18. Kaviani, Kourosh, *Introduction to Commercial Law; Commercial Law (1)*, 4th ed., Tehran: Mizan, 1402 (2023–2024). (in Persian)
19. Saket, Mohammad Hossein, “A New Look at an Ancient Penal Measure: Ta’zir,” *Tahqiq va Tose’eh dar Hoquq-e Keyfari va Jormshenasi* [Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology], Vol. 2, No. 3 (Serial No. 3), Shahrivar 1404 (Aug–Sep 2025). [10.22034/jclc.2025.720962](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.720962) (in Persian)
20. Mansourabadi, Abbas, *General Criminal Law (1)*, Tehran: Mizan, 1400 (2021–2022). (in Persian)
21. Mirmohammad Sadeghi, Hossein, *Special Criminal Law (1): Offences against Property and Ownership*, Tehran: Mizan, 1403 (2024–2025). (in Persian)
22. Mirmohammad Sadeghi, Hossein, *Special Criminal Law (2): Offences against the Security and Public Order of the Country*, Tehran: Mizan, 1404 (2025–2026). (in Persian)
23. Vakili, Mostafa; Sheikh Eslami, Abbas, “Foundations of Compensation for Damage Resulting from Crime in the Iranian and English Criminal Procedure Systems (Challenges and Solutions),” *Tahqiq va Tose’eh dar Hoquq-e Keyfari va Jormshenasi* [Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology], Vol. 2, No. 3, Shahrivar 1404 (Aug–Sep 2025). [10.22034/jclc.2024.2048101.1131](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.2048101.1131) (in Persian)
24. https://www.legifrance.gouv.fr/codes/texte_lc/LEGITEXT000006070719/?utm_source=chatgpt.com
25. https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2010/23/enacted?utm_source=chatgpt.com
26. https://www.wipo.int/wipolex/en/legislation/details/19869?utm_source=chatgpt.com
27. https://solent-avocats.com/en/prosecution-of-commercial-bribery-sanctions-procedure-and-compliance-obligations/?utm_source=chatgpt.com
28. Mousseron ‘Pierre ‘USAGES ET NORMES PRIVÉES ‘RRJ 2011-5 – Cahiers de méthodologie juridique ‘p 2226.